

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه

جهت دریافت کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

موضوع

حقوق رکنالذبح / اهن و مرتبه نسبت به عین مرهونه

استاد راهنما

دکتر امیرحسین آبادی

استاد مشاور

دکتر غلامعلی سیفی

تفتیح و نگارش

رسول پروین

۳۲۷۱۲

اسفند ۷۹-۷۸

در نزد سخاوت تو باران هیچ است
دستهای پر از مهر بهاران هیچ است
جان چیست که در مقدمت از کف بنهم
تقدیم تو صد هزاران زین سان هیچ است

تقدیم به خانواده عزیزم، خصوصاً پدر زحمتکش و
مادر بزرگوارم و خواهر بزرگم همچنین برادر
بزرگوارم جناب آقای منصور پروین که مرا در راه
تحصیل علم یاری دادند.

9321

۳۲۷۱۲

با تقدیر و تشکر از استاد راهنمای بزرگوارم
جناب آقای دکتر حسین آبادی و استاد مشاور
آقای سیفی و اساتید محترم داور

«فهرست مطالب»

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	مقدمه بخش اول: حقوق و تکالیف راهن
۱۲.....	فصل اول: حقوق و امتیازات راهن و انواع آن
۱۲.....	مبحث اول: حق بقای مالکیت
۱۳.....	گفتار اول: حق بقای مالکیت عین
۱۳.....	گفتار دوم: حق بقای مالکیت منافع
۱۳.....	مبحث دوم: محدوده تصرفات راهن
۱۴.....	گفتار اول: بحث نظری در فقه
۱۴.....	بند اول: هر نوع تصرف راهن نافذ و معتبر است
۱۵.....	بند دوم: هر نوع تصرف راهن بی اثر و بی اعتبار است
۱۵.....	بند سوم: تصرفات اصلاحی راهن نافذ و تصرفات ناقله و استیفائی و تصرفات مزاحم در مقصود و استفاده از رهن ممنوع می باشد
۱۶.....	بند چهارم: نظریه تفصیل
۱۸.....	گفتار دوم: بحث نظری در حقوق و راه حل قانون مدنی
۲۲.....	گفتار سوم: انواع تصرفات راهن
۲۳.....	الف: تصرفات حقوقی و وضعیت آنان
۲۵.....	مبحث سوم: حق فروش عین مرهونه با اذن مرتهن
۲۵.....	گفتار اول: بیع مال مرهون با اذن مرتهن و با قید حفظ حقوق
۲۵.....	بند اول: وضعیت حقوقی بیع
۲۶.....	بند دوم: اثر اذن مرتهن در بیع بند سوم: اثر اذن مرتهن در رهن
۲۸.....	گفتار دوم: بیع مال مرهون با اذن مرتهن و بدون قید حفظ حقوق او
۲۸.....	بند اول: اثر اذن در بیع و وضعیت حقوقی این معامله

«فهرست مطالب»

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲۹.....	بند دوم: اثر اذن مرتهن در رهن در صورت قید حفظ حق
۳۳.....	بند سوم: اثر اذن در ثمن
۳۷.....	مبحث چهارم: حق انتقال منافع عین مرهونه
۳۷.....	گفتار اول بحث نظری و رویه محاکم در خصوص انتقال منافع
۳۷.....	بند اول: بحث نظری در فقه امامیه در خصوص انتقال منافع
۴۱.....	بند دوم: نظرات حقوقدانان در مورد اجاره عین مرهونه و رویه محاکم
۴۹.....	گفتار دوم: اجاره مورد رهن
۴۹.....	بند اول: اجاره مال مرهون با اذن مرتهن
۵۱.....	بند دوم: اجاره مال مرهون بدون اذن مرتهن
۵۳.....	مبحث پنجم: تصرفات حقوقی موجود حق عینی
۵۳.....	گفتار اول: بحث نظری در خصوص تصرفات موجد حق عینی
۵۵.....	بند اول: تصرفات نوصحق عینی در فقه امامیه و قانون مدنی
۵۶.....	بند دوم: رهن مکرر در قانون مدنی و نظر حقوقدانان
۵۷.....	بند سوم: رهن مکرر در ق ثبت
۵۹.....	گفتار دوم: رهن مکرر در عمل
۵۹.....	بند اول: رهن مکرر با قید حفظ حقوق مرتهن
۶۰.....	بند دوم: رهن مکرر بدون قید حفظ حقوق مرتهن و بدون اذن او
۶۱.....	بند سوم: اقسام رهن مکرر
۶۵.....	فصل دوم: تکالیف رهن
۶۶.....	مبحث اول: مسئولیت بر تسلیم عین مرهونه
۶۶.....	گفتار اول: تسلیم عین مرهونه

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۶۶	بند اول: ماهیت تسلیم.....
۶۸	بند دوم: تسلیم مال موضوع عقد (عین مرهونه) در وضعیت موجود.....
۶۸	بند سوم: تسلیم توابع عین مرهونه.....
۶۸	گفتار دوم: زمان و مکان و مخارج تسلیم.....
۶۸	بند اول: زمان تسلیم.....
۷۰	بند دوم: مکان تسلیم.....
۷۱	بند سوم: مخارج تسلیم.....
۷۱	مبحث دوم: ممنوعیت راهن از تصرفات مادی و تصرفات زایل کننده عین.....
۷۱	گفتار اول: ممنوعیت در تصرفات مادی.....
۷۱	بند اول: محدوده تصرفات مادی.....
۷۵	گفتار دوم: مسئولیت راهن برای سلامت عین مرهونه و تلف آن.....
۷۵	بند اول: مسئولیت راهن در سلامت عین مرهونه.....
۷۶	بند دوم: ضمانت راهن بر از بین بردن عین مرهونه یا تلف آن.....
۷۹	مبحث سوم: ممنوعیت راهن از انتقال عین بدون اذن مرتهن و بدون قید حفظ حقوق او.....
۷۹	گفتار اول: بیع عین مرهونه بدون اذن مرتهن و بدون قید حفظ حقوق او.....
۷۹	بند اول: وضعیت حقوقی بیع مال مرهون بدون اذن مرتهن و بدون قید حفظ حقوق او.....
۸۳	بند دوم: تأثیر اجازه مرتهن در بیع است یا حق رهن.....
۸۴	بند سوم: بیع رهن بدون اذن مرتهن و فکر رهن قبل از اجازه بیع یا اسقاط حق.....
۸۷	بند چهارم: اذن مرتهن شرط صحت عقد واقع شده بر عین مرهونه است.....

«فهرست مطالب»

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۸۹	بند پنجم: بیع ملک بدون اذن مرتهن و فک رهن قبل از اجازه مرتهن یا اسقاط حق خود.....
۹۰	بند ششم: اثر اجازه یا رد مرتهن در رهن و ثمن.....
۹۱	بند هفتم: درخواست مرتهن از راهن برای مطالبه اصل دین در صورت انتقال ملک بدون قید حفظ حقوق.....
۹۴	بند هشتم: معاملات متعدد بر عین مرهونه.....
۹۷	مبحث چهارم: فروش عین مرهونه بدون اذن مرتهن و با قید حفظ حقوق او.....
۹۷	گفتار اول: ممنوعیت راهن از انتقال عین مرهونه ولو با حفظ حقوق مرتهن.....
۹۷	بند اول: بحث نظری در حقوق و راه حل حقوقدانان.....
۱۰۵	بند دوم: بررسی رویه دیوان عالی کشور.....
۱۱۳	گفتار دوم: حق فروش عین بدون اذن مرتهن و با قید حفظ حقوق او.....
۱۱۳	بند اول: بحث نظری در حقوق و نظر حقوقدانان.....
۱۱۶	بند دوم: بررسی رویه محاکم دادگستری و دیوان عالی کشور.....
۱۲۱	بخش دوم: حقوق و تکالیف مرتهن.....
۱۲۱	فصل اول: حقوق و امتیازات مرتهن و انواع آن تعریف حق مرتهن.....
۱۲۳	مبحث اول: حق تقدم.....
۱۲۳	گفتار اول: محدوده و کیفیت حق تقدم.....
۱۲۳	بند اول: ماهیت حق تقدم.....
۱۲۴	بند دوم: منشأ اعتبار حق تقدم.....
۱۲۴	بند سوم: منشأ حق تقدم مرتهن.....
۱۲۴	بند چهارم: حق تقدم در قانون مدنی و سایر قوانین.....

«فهرست مطالب»

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۲۵	بند پنجم: استقرار حق تقدم بر عين و متعلقات
۱۲۶	بند پنجم: تعارض دو حق تقدم
۱۳۱	مبحث دوم: حق تعقيب
۱۳۱	الف: محدوده و كيفيت حق تعقيب
۱۳۱	ب: ماهيت حق تعقيب
۱۳۶	ج: تمليك مال به مرتهن در صورت پيدا نشدن خريدار
۱۳۹	مبحث سوم: حق حبس
۱۴۰	الف: حدود و كيفيت حق حبس
.....
۱۴۴	مبحث چهارم: اعراض يا عدول از رهن
۱۴۴	الف: حدود و كيفيت عدول از رهن
۱۴۴
۱۴۶	بند دوم: اعراض از رهن از تاريخ تصويب ماده ۳۴ اصلاحی
۱۴۷	بند سوم: مدت زمان حق عدول از رهينه
۱۴۷	بند چهارم: وضعيت سند رهنی مقدم در صورت اعراض از رهن
۱۴۸	بند پنجم: وضعيت سند رهن مكرر در صورت اعراض از رهن
۱۴۸	بند ششم: اعراض از قسمتی از رهينه
۱۵۰	فصل دوم: تكاليف مرتهن
.....
.....	مبحث اول: مسئوليت بر حفاظت از عين مرهونه و رد آن بعد از استيفای كامل
۱۵۰	حقوقش
۱۵۰	گفتار اول: حفاظت از عين مرهونه

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱۵۰	الف: ماهیت و کیفیت حفاظت از عین مرهونه
۱۵۴	گفتار دوم: رد مال مرهون بعد از استیفای کامل حق خود
۱۵۴	الف: چگونگی رد مال مرهون
۱۵۵	مبحث دوم: مسئولیت بر اداره عین مرهونه و استثمار و بهره‌برداری از آن
۱۵۵	گفتار اول: اداره مال مرهونه
۱۵۵	بند اول: محدوده اداره عین مرهونه
۱۵۸	بند دوم: کیفیت اداره شیئی مرهونه
۱۵۸	بند سوم: مصارفی که دائن مرتهن در اداره شیئی می‌پردازد
۱۵۹	بند چهارم: مسئولیت ناشی از سوء مدیریت و اداره
۱۶۰	گفتار دوم: استثمار و بهره‌برداری از عین مرهونه
۱۶۰	بند اول: حدود استثمار و بهره‌برداری از عین مرهونه
۱۶۲	بند دوم: کیفیت بهره‌برداری
۱۶۳	مبحث سوم: ممنوعیت از فروش عین مرهون
۱۶۳	گفتار اول: بیع مال مرهون قبل از حلول دین
۱۶۳	بند اول: بیع مال مرهون با اذن یا تنفیذ راهن
۱۶۶	بند دوم: بیع مال مرهونه بدون اذن مرتهن
۱۶۹	گفتار دوم: بیع مال مرهونه در صورت ترس از تلف
۱۶۹	بند اول: بیع مال مرهونه با اذن راهن
۱۷۰	بند دوم: بیع مال مرهونه بدون اذن راهن
۱۷۱	گفتار سوم: بین عین مرهونه بعد از حلول دین
۱۷۱	بند اول: بیع عین باتوجه به فقه امامیه و قانون مدنی

«فهرست مطالب»

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۷۳.....	بند دوم: بیع عین مرهونه باتوجه به ق.ث و تحولات آن
۱۷۹.....	مبحث چهارم: ممنوعیت از تصرفات ناقل منافع
۱۷۹.....	الف: اجاره مال مرهون
۱۷۹.....	بند اول: اجاره مال مرهونه با اذن راهن
۱۸۱.....	بند دوم: اجاره مال مرهونه بدون اذن راهن
۱۸۳.....	نتیجه گیری
۱۹۲.....	منابع و مأخذ

مقدمه

برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که اموال مدیون و دارایی او، وثیقه بدهکارهای او می‌باشد^(۱) و اموال مدیون ضمانت عام برای دائنین است. و با این سخن تا حدودی از اهمیت عقد رهن می‌کاهند ولی به نظر می‌رسد که این امر، سخن درستی نباشد زیرا ممکن است مدیون اموال خود را انتقال دهد و شخص نتواند به طلب خود برسد و یا ممکن است اموال مدیون برای پرداخت تمام دیونش کافی نباشد، که در این صورت طلبکار نمی‌تواند به طور کامل به حق خود برسد. پس فقها و حقوقدانان برای کمک به طلبکار و تنظیم روابط اجتماعی بین افراد، دو قسم تأمینات عینی و شخصی را به رسمیت شناختند تا طلبکار با آرامش خاطر بتواند حقوق خود را استیفا کند. در تأمینات شخصی مثل کفالت و غیره، ذمه شخص مشغول می‌شود، در حالی که در تأمینات عینی بدون اینکه ذمه شخص مشغول شود، یک حق عینی برای طلبکار ایجاد می‌شود که با توجه به چنین حقی وی بر دائنین عادی مقدم می‌گردد. در این میان مهمترین تأمین عینی عقد رهن می‌باشد زیرا عقد رهن یک تضمین عینی و واقعی به طلبکار اعطا می‌کند که در تاریخ سررسید عین مرهونه را بگیرد و آن را بفروشد بدون اینکه فوراً از مالک در مالکیت بر عین مرهونه خلع ید کند. بعلاوه با عقد رهن بستانکاران تضمیناتی بدست می‌آورند که از بستانکاران سندی که یک سند معمولی طلب در دست دارند، متمایز می‌شوند، زیرا بستانکاران عادی فقط دارای یک حق اقامه دعوی هستند در حالی که طلبکاران دارای حق وثیقه، علاوه بر این حق که متعلق به هر طلبکاری است، دارای یک حق عینی بر مال مورد رهن می‌باشند. اضافه بر این عقد رهن از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اهمیت می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱- احمد السنهوری، دکتر عبدالرزاق، الوسیط فی شرح قانون مدنی، ج ۱۰، ن عربی بیروت، ۴۱۴

۱- تضمین سرمایه طلبکار، بوسیله عقد رهن. مرتهن از رهن به عنوان تضمین طلبش استفاده می‌کند، پس بستانکار بوسیله عقد رهن تمام تضمینات دلخواه را به دست می‌آورد و همه تسهیلات ضروری برای تبدیل تضمین در دسترس او می‌باشد.

۲- کمک به بدهکار، بدهکار به وسیله عقد رهن می‌تواند از طلبکار قرض بگیرد یا به وسیله عقد رهن اعتباری از طلبکار تحصیل کند. بنابراین عقد رهن بهترین روش برای برگشت سرمایه می‌باشد. در این مقدمه ابتدا رهن را تعریف کرده و ماهیت آن را بیان می‌کنیم. پس فرق رهن را با معامله با حق استرداد و وثیقه از آن جهت که ما در پایان نامه فقط به عقد رهن به معنای اخص نظر داریم، بیان می‌کنیم. رهن در لغت: معنای گرو کردن، گرو دادن^(۱) و ثابت و برقرار ماندن چیزی آمده است^(۲) و در اصطلاح به وثیقه‌ای برای دین مرتهن^(۳) تعریف شده است. در قانون مدنی ایران نیز در تعریف رهن آمده است: «رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی برای وثیقه به داین می‌دهد...». با توجه به تعریف بالا به نظر می‌رسد که ماهیت عقد رهن و اثر آن، علاوه بر تضمین حق طلبکار، محدود شدن سلطه مالک و تصرفات او بر عین مرهونه باشد، این نوع محدودیت را می‌توان حق حبس مرتهن بر عین مرهونه تلقی کرد. نتیجه آن که ماهیت رهن، توثیق مال و ایجاد اطمینان خاطر برای طلبکار از طریق حبس یا توقیف مال به نفع داین است. البته برخی از نویسندگان رهن را یک نوع ضمان به حساب آورده‌اند و معتقدند، همان‌طور که در عقد ضمان شخصی، دین دیگری را به عهده می‌گیرد، در عقد رهن هم دین بر ذمه عین مرهونه قرار گرفته،

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۲۶، چاپ چهارم، فروردین ۱۳۴۶، انتشارات مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ص ۲۴۳.

۲- فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ج سوم، بی‌تا، انتشارات محیط، ص ۲۲۷.

۳- شهید اول، محمد بن ملی

ذمه عین مرهونه به ذمه انسان ضمیمه می‌گردد.^(۱) ولی این نظر صحیح نیست زیرا تنها ذمه انسان است که مدیون می‌شود و نمی‌شود غیر انسان را دارای ذمه دانست و شاید این یک نوع مسامحه در تعبیر باشد و منظور این باشد که اموال رهن متعلق حق غیر قرار می‌گیرد زیرا در جهان حقوق اموال موضوع حق و تعهد قرار می‌گیرند نه مدیون آن، قبل از بررسی تفاوت‌های عقد رهن و معامله با حق استرداد، لازم است اوصاف عقد رهن را به اختصار ذکر کنیم تا درک تفاوت این دو برای ما روشن باشد. اول این که عقد رهن یک عقد عینی است نه قصدی^(۲)، یعنی در انعقاد آن علاوه بر ایجاب و قبول، قبض نیز شرط می‌باشد. دوم اینکه عقد رهن یک عقد تبعی است یعنی باید قبل از انعقاد رهن دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین حقوق طلبکار، مالی به وثیقه داده شود. سوم این که عقد رهن یک عقد تجزیه ناپذیر است، منظور از تجزیه ناپذیر بودن عقد رهن این است که تمامی عین مرهونه وثیقه هر جزئی از دین است و تا تمام دین پرداخت نشود از مال مرهون فک رهن به عمل نخواهد آمد. چهارم اینکه عقد رهن نسبت به رهن لازم و نسبت به مرتهن جایز است. این امر مورد قبول فقهای امامیه بوده و قانون مدنی نیز بر آن صحه گذاشته است. بعد از ذکر اوصاف عقد رهن ابتدا معاملات با حق استرداد را تعریف کرده و سپس تفاوت آن را با عقد رهن بیان می‌کنیم. مقصود از معامله با حق استرداد هر عقد تملیکی و معوض است که در آن انتقال دهنده حق دارد با رد عوضی که دریافت کرده است، مال تملیک شده را استرداد کند^(۳) پس معاملات با حق استرداد معاملات معوض تملیکی هستند که در ضمن آنها حق استرداد درج شده باشد، لذا از این جهت هیچ

۱- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی (عقود معین ۴)، ج دوم، انتشارات مدرس، ۱۳۷۶، ص ۴۹۷.

۲- در بعضی از نوشته‌های در مقابل عینی، رضایی آمده است که به نظر نادرست می‌رسد زیرا رضایت به تنهایی نمی‌تواند سازنده عقد باشد بلکه عنصر اصلی سازنده عقد قصد است.

۳- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۵، ج اول، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۹، ص ۱۷۷.

- کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی قرارداد ابقاع)، ج سوم، بهنشر، ۱۳۷۲، ص ۳۸۷.

شباهتی با عقد رهن ندارند. عقد صرفاً وسیله‌ای برای تضمین یک دین موجود است، در حالیکه معاملات با حق استرداد معاملات، تملیکی هستند و یکطرف مال خود را به دیگری تملیک می‌کند، منتهی حق استرداد آن را برای مدت معینی نزد خود نگه می‌دارد. معذک از آنجا که قانونگذار با تصویب مواد ۳۳ و ۳۴ ق.ث اثر تملیکی را از این معاملات سلب کرده است، و این معاملات را در زمره معاملات رهنی و وثیقه‌ای قرار داده است، ممکن است برای بعضی این توهم پیش آید که معاملات با حق استرداد با رهن تفاوت ندارند، لکن با وجود شباهتی که بین این دو می‌باشد، این دو معامله تفاوت زیادی دارند:

۱- عقد رهن، عقدی تبعی است یعنی باید پیش از عقد دینی وجود داشته باشد، در حالیکه در معاملات با حق استرداد، دین و تضمین در یک لحظه و با هم ایجاد می‌شوند و هیچکدام بر دیگری تقدم ندارند، این تفاوت ناشی از اینست که معاملات با حق استرداد وثیقه‌ای نیستند و جنبه وثیقه‌ای بودن را قانون بر آنها بار کرده است.

۲- چون رهن بر عین مرهونه مالکیت دارد و مرتهن صرفاً دارای یک حق عینی است که به موجب آن بعداً می‌تواند وصول طلب خود را از فروش محل رهینه مذکور مطالبه کند، به نظر می‌رسد اگر مدیون با حفظ حقوق مرتهن، عین مرهونه را به دیگری منتقل کند، هیچ اشکالی بر این معامله مترتب نمی‌باشد، در حالیکه در معاملات با حق استرداد با وجود اینکه، انتقال دهنده همچنان مالک باقی می‌ماند ولی او نمی‌تواند مال را مجدداً مورد معاملات تملیکی قرار دهد، زیرا مالکیت انتقال دهنده مطلق نیست و حقوق انتقال گیرنده با حق استرداد خیلی بیشتر از حقوق مرتهن می‌باشد.

۳- در عقد رهن مالکیت عین مرهونه و به تبع آن منافع عین مزبور متعلق به رهن است در حالیکه در معاملات با حق استرداد با اینکه انتقال دهنده مالک مورد معامله

- می‌باشد، مالکیت منافع متعلق به انتقال گیرنده است.^(۱)
- ۴- قبض شرط صحت عقد رهن است در حالیکه در معاملات با حق استرداد، قبض شرط صحت نیست و اصل قصدی بودن است.^(۲)
- ۵- عقد رهن نسبت راهن لازم و نسبت به مرتهن جایز است در حالیکه در معامله با حق استرداد نسبت به طرفین لازم هستند و انتقال گیرنده نیز مانند انتقال دهنده نی‌تواند از حق وثیقه خود صرف‌نظر کند.
- ۶- عقد رهن موضوع آن باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است. در حالیکه در معاملات با حق استرداد چون قبض شرط صحت نیست، بنابراین هر مالی را می‌توان موضوع آن قرار داد.
- ۷- در مورد معامله با حق استرداد و معاملات رهنی خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ انقضای سند تعلق می‌گیرد در حالیکه در مورد رهن تصرف این خسارت از زمان تخلیه و تحویل تعلق می‌گیرد.
- حال به بررسی معنای وثیقه و تفاوت آن با عقد رهن می‌پردازیم. اهل لغت و وثیقه را بمعنای ثابت و محکم می‌دانند.^(۳) اما در اصطلاح وثیقه دارای معانی ذیل است:
- ۱- مالی است منقول یا غیرمنقول که وام گیرنده تحت یکی از صور قانونی (رهن یا معامله با حق استرداد) آن را نزد وام دهنده می‌گذارد تا اگر در موعد مقرر آن را پس ندهد، وام گیرنده بتواند از محل فروش وثیقه طلب خود را وصول کند.
- ۲- مالی که برای تضمین حس اجراء تعهد داده می‌شود.
- اما وثیقه در اصطلاح زمان ما، مال یا تعهدی است که برای استحکام اجراء تعهد

۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، چ دوم، ۱۳۵۱، اسلامیه، ص ۵۷۳ - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها) ج ۵، چ اول، بهنشر ۱۳۶۹، ص ۱۷۸.

۲- امامی، سید حسن، همان منبع، ص ۵۷۲.

۳- معین، محمد، فرهنگ لغت معین، ج دوم، چ سوم، انتشارات معین، ص ۳۵۸.